

الگوهای روابط والدین با کودک با نگاه به سیره معصومان علیهم السلام

الگوهای مختلف تربیت فرزند و روش های نبتنی بر الگوها از نگاه دین ، با استفاده از گفتار و کردار پیشوایان معصوم، در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده با بیان الگوهای سه گانه تربیتی سهل گیر، سخت گیر و مقتدر یکی از الگوها را از میان آنها برگزیده و دلایل آن را - ذکر کرده است. در ادامه به برخی نکات لازم در برخورد با کودکان اشاره شده است.

واژه های کلیدی: الگوی تربیتی، سهل گیر، سخت گیر، مقتدر دیدگاه اسلام. یکی از اساسی ترین مسائلی که امروزه در محافل علمی و آموزشی مطرح است و درباره آن سخن بسیار گفته می شود، مسأله فرزند است.

از دیدگاه اسلام، تربیت عبارت است از مجموعه روش هایی که از ابتدای تولد و حتی قبل از تولد باید به کار برد تا استعداد های نهفته در وجود انسان رشد و نمو لازم را پیدا کرده و در مسیر تکامل قرار گیرد. برای ساختن جامعه ای نمونه، باید با اصول و روش های تربیت آشنا شد و از نیازها و روحیات کودکان شناخت لازم و کافی به دست آورد.

پیامبر اکرم (ص) مراحل نخستین رشد انسان را به سه بخش مهم تقسیم می کنند: فرزند در هفت سال اول سید و آقا، در هفت سال دوم مطیع و فرمانبردار، و در هفت سال سوم وزیر و مسؤول است.²

اگر کودکی دوران سیادت و آقایی خود را با تربیت صحیح والدین و با بهره وری از نیازهای درونی سپری کند به راحتی وارد دوران اطاعت خواهد شد و همواره مطیع و فرمانبردار والدین و مربیان خواهد شد، همین طور اگر دوران اطاعت را عاقلانه طی کند به وزارت و معاونت والدین دست خواهد یافت.

1 کارشناس ارشد روان شناسی از مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره -) .

2 - مکارم الاخلاق، ص ۱۱ ، «الولد سید سبع سنین و عبد سبع سنین و وزیر سبع سنین»

۱۹

پیامبر اکرم براساس این تقسیم بندی مراحل رشد، اصول کلی تربیت و وظایف والدین را در هفت سال اول بگذار فرزندت بازی کند، هفت سال بعد تأدیب : « رابطه با فرزندان مشخص کرده اند .و تربیت شود و هفت سال بعد او را همراه و مشاور خود قرار بده»¹

نقش الگوهای تربیتی والدین

تردیدی نیست که والدین براساس ویژگی هایی که مایلند فرزندشان داشته باشد، روش ها و الگوهایی را به منظور تربیت آنان اتخاذ می کنند. از این رو، آنها می خواهند بدانند که چگونه باید عمل کنند و کدام یک از ارزش های اخلاقی، اجتماعی و معیارهای رفتاری را باید داشته باشند تا فرزندشان از آنها بهره مند شوند.

محققان در این زمینه، مطالعات مختلفی انجام داده و در ابعاد مختلف، روش های تربیتی والدین را بررسی و طبقه بندی کرده اند که به بیان نمونه ای از بررسی های آنها می پردازیم:

«بامریند 2» والدین را در مورد تربیت فرزندانشان به سه نوع کلی دسته بندی کرده است 1: والدین - سهل گیر، 2 والدین سخت گیر، 8 والدین مقتدر - - .

1 خانواده سهل گیر -

از ویژگی های خانواده سهل گیر بی توجهی به آموزش رفتار اجتماعی است. به طور کلی در این گونه خانواده ها قوانین، بسیار محدود بوده، افراد به اجرای قوانین و آداب و رسوم اجتماعی چندان تقیدی ندارند و هر کس هر کاری بخواهد می تواند انجام دهد. والدین سهل گیر در اعمال نقش تربیتی خود ناتوان بوده، قوانین را به وضوح، ابلاغ و اجرا نمی کنند، تسلیم قهر و گریه کودک می شوند، مقررات ناهمسان دارند، توقع یا تقاضای ناچیزی برای رفتار مستقل و رشد یافته دارند، رفتار بد را نادیده گرفته یا آن را می پذیرند و خشم و عصبانیت خود را پنهان نمی کنند 3.

تربیت سهل گیرانه از دیدگاه اسلام

یکی از اساسی ترین مبانی رفتار انسانی از نظر دین مقدس اسلام، وجود میانه روی در روابط خانوادگی است. این اصل در تمامی زمینه ها و همچنین در زمینه خانوادگی نیز می تواند مناسب باشد. بر این اساس، افراط و تفریط در آزادی ها و سخت گیرها و محبت ورزیدن به کودکان و وضع

1 - وسائل الشیعه، ج 1، ص « 121 دع ابنک سبع سنین و یودب سبع سنین و الزمه نفسک سبع سنین »

2 - Diand Bumrind.

3 «بامریند» دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، روانشناسی رشد 2، ص 373، به نقل از

قوانین و مقررات نامناسب، نامطلوب به شمار می آید. حضرت امام سجاد(ع) هنگام مشاهده نوجوانی که در حال حرکت به پدرش تکیه کرده بود، خشم و نارضایتی خود را از چنین رفتاری، که بیانگر از خود راضی بودن و اتکای بیش از حد نوجوان به پدر بود، آشکار کرد 1. در این نمونه،

پدر با کودک، بسیار سهل گیرانه بوده و او بی توجه به آداب و رسوم اجتماعی بزرگ شده بود. جرأة الولد علی والده فی صغره، تدعوا الی : « امام حسن عسگری (ع) نیز در این باره می فرمایند جرأت و جسارت فرزند در دوران کودکی نسبت به پدر، نارضایتی پدر را در ؛ «العقوق فی کبره بزرگسالی به دنبال خواهد داشت 2 .

۲ خانواده های سخت گیر و مستبد-

والدین در خانواده های مستبد، خواهان اجرای بی چون و چرای دستورهای خود هستند و لزومی برای ارائه دلیل نمی بینند فرد مستبد که در بیشتر موارد، پدر است تصمیم گیرنده و تعیین کننده- - و ضایف دیگر اعضای خانواده است و آنچه مطابق میل اوست، باید اجرا شود. قوانینی که این والدین بر فرزندان خود تحمیل می کنند، به سن کودک بستگی دارد. برای نمونه، سخت گیری در مورد سر و صدا، پاکیزگی، بازی با اسباب بازی، اطاعت، چگونگی لباس پوشیدن و ... مربوط به سال های پیش از مدرسه است و توقع رفتارهای عاقلانه، عملکرد خوب در مدرسه، درست غذا خوردن و ... ، از مسائلی است که والدین مستبد، در دوران دبستان از فرزندان خود انتظار دارند.

الف) آثار تربیت سخت گیرانه

فرزندان این گونه خانواده ها کمتر به خود متکی بوده، خلاقیت کمی داشته و کنجکاو نیستند. همچنین در مسائل اخلاقی، عاطفی و ذهنی نیز انعطاف پذیرند و زود تحت تأثیر دیگران قرار می گیرند.

«هافمن 3» کودکانی که در خانواده سخت گیر بزرگ می شوند، : « از تحقیقی چنین نتیجه می گیرد معمولاً مطیع و فرمانبردارند، ولی در بیشتر موارد رفتار آن ها توأم با پرخاش گری است. این کودکان احساس ناامنی می کنند و از خود استقلال کافی ندارند. آن ها در بین هم بازی های خود محبوبیت زیادی را به دست نمی آورند، برای حقوق دیگران احترام قائل نمی شوند و در برابر انتقاد بزرگ ترها

1 - محمد تقی فلسفی، گفتار فلسفی کودک، تهران، ۱۸۴۱، ج ۲، ص ۲۶۷

2 - بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۸۷۴

Hafman. 3 -

۲۱

بی تفاوتند و از ثبات عاطفی کمی برخوردارند و سرانجام این که گرایش بیشتری به انحرافات

«اخلاقی از خود نشان می دهند 1

رفتار های سخت گیرانه والدین با پسران در دراز مدت نتایج منفی بیشتری برجای می گذارد. توانایی شناختی و اجتماعی پسران والدین مستبد، در سطح پایینی است، عملکرد تحصیلی و فکری آنها ضعیف است و در روابط آنان با همسالانشان، حس ابتکاری، رهبری و اتکا به نفس دیده نمی شود. این کودکان از پذیرفتن مسئولیت خودداری می کنند و به طور کلی به بزرگسالان بدبین هستند. اینان در سنین نوجوانی، بیشتر اوقات خود را با هم سالان، به ولگردی و پرسه زدن در خیابان ها می گذرانند 2.

ب) دیدگاه اسلام در این زمینه

پیشوایان اسلام، الگوی رفتاری همراه با سخت گیری و اعمال قدرت را نادرست دانسته اند. علی انسان به حکم این که (: « ع) در نهج البلاغه درباره شیوه صحیح تربیت و رفتار با فرزندان می فرماید انسان است و دارای شعور و اندیشه است، از طریق پند و اندرز و ادب، شایسته تربیت می شود، نه «از طریق زورگویی و تنبیه بدنی 3 لا تقسروا اولادکم علی : « همچنین ایشان در جای دیگر می فرمایند آداب و رسوم خود را بر فرزندانان به زور تحمیل ؛ «آدابکم، فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم نکنید؛ زیرا آنها برای زمان غیر از زمان شما خلق شده اند 4.

۳ خانواده های مقتدر-

در چنین خانواده ای، فرزند به استقلال و آزادی فکری تشویق می شود، در عین حال، والدین، نوعی محدودیت و کنترل بر او اعمال می کنند. در این خانواده، اظهار نظر و ارتباط کلامی وسیعی در تبادل کودک والدین وجود دارد و در آن گرمی، صمیمیت و محبت به کودک در سطح بالایی است 5.

از ویژگی های این خانواده، انضباط همراه با رفتار خود مختارانه است. والدین هر گاه کودک را از چیزی منع کنند یا از وی انتظاری ویژه داشته باشند، برای او مسأله را به خوبی تبیین می کنند و دلیل آن را ارائه می دهند. در چنین خانواده ای تقسیم کار وجود دارد، به طوری که هر یک از اعضا،

1 - حسن احدی و شکوه السادات بنی جمالی، روان شناسی رشد، تهران، نشر بنیاد، ۱۸۶۷، ج ۲، ص ۷۱

2 - روان شناسی رشد، ۲، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ص ۳۷۴

3 - نهج البلاغه، نامه ۸۱

4 - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۱، ص ۲۶۷

5 - روان شناسی رشد، ۲، ص ۳۷۱

مسئولیتی را به عهده می گیرد و در تصمیم گیری ها و تقسیم درآمدها، رفت و آمدها، روش برخورد با دیگران آزادی مطلوبی وجود دارد.

آنان قوانین را با جدیت اجرا : « درباره شیوه تربیتی والدین مقتدر چنین می گوید « بامریند» می کنند، تسلیم کودک نمی شوند، با کودک حرف نشنو مقابله می کنند، در پاسخ به رفتار کودک نارضایتی و ناراحتی را آشکار می کنند، از رفتار سازنده کودک حمایت می کنند، امیال کودک را در نظر می گیرند و عقاید او را جویا می شوند، به کودک راه چاره می دهند، توقع رفتاری مستقل و رشد یافته و مناسب با سن کودک دارند، و موقعیت های فرهنگی و فعالیت های مشترک را طرح ریزی می کنند¹

دیدگاه اسلام درباره تربیت مقتدرانه

این نوع رابطه با فرزندان، نزدیک ترین روش به دستورهای تربیتی اسلام است. حضرت علی (ع) فرزندانان را گرامی بدارید و رفتار خود را با آنان ؛ «اکرموا اولادکم، احسنوا آدابکم : « می فرمایند نیکو کنید².

این حدیث، افزون بر شخصیت دادن به فرزندان و لزوم الگودهی شایسته به آنان، بر رفتار درست با آنها نیز تأکید کرده است.

خداوند پیامرزد والدینی را که بر تربیت صحیح، فرزندشان را یاری : « پیامبر اکرم (ص) فرمود دهند. (راوی پرسید : او را بر نیکی یاری دهند؟) حضرت فرمود : والدین هر چه را فرزندشان به اندازه توانایی خویش انجام می دهد، بپذیرند و آنچه را انجام دادنش بر وی سنگین و تحمل ناپذیر «است، از او نخواهند و او را به گناه و گردن کشی وادار نکنند³

احترام به کودک، روحیه استقلال و اعتماد به نفس را در او تقویت و به رشد سالم شخصیت او کمک می کند، به محبوبیت کودک در میان همسالانش می انجامد و به تدریج، استعداد پذیرش و ایفای نقش رهبری و مدیریت را در او شکوفا خواهد کرد.

حال که با الگوهای تربیتی آشنا شدیم و مناسب ترین الگو را معرفی کردیم مناسب است روش های مناسب تربیت را ارائه دهیم.

« - 1 روان شناسی رشد، ج ۲، به نقل از . development child ص ۳۳

. - 2 وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۹۱

. - 3 فروع کافی، ج ۶، ص ۱۱

از آنجا که کودک ذهنش نارسا و جسمش ناتوان بوده و توان آموزش مستقیم را ندارد نباید آموزش را بر او تحمیل کرد، بلکه باید به صورت غیر مستقیم تحت تأثیر تربیت والدین قرار گیرد و با تأمین نیازهای طبیعی اش او را برای دوران آموزش پذیری و اطاعت آماده کرد. روش های تربیتی که والدین در این مرحله از رشد (کودکی) می توانند در پیش گیرند عبارتند از:

۱- محبت به کودک-

بی گمان یکی از اساسی ترین نیازهای انسان، پس از نیازهای زیستی (نیاز به آب، غذا و ...) نیاز به محبت است، به گونه ای که اگر این نیاز انسان برآورده شود، تا حد زیادی، نیازهای زیستی دیگر را تحت تأثیر خود قرار می دهد. این نیاز در کودک شدیدتر است، چون نخستین سرپرست کودک، خانواده است، والدین باید به این نیاز او توجه ویژه ای داشته و بدانند پاسخ گویی صحیح به این نیاز کودک، اساس و پایه تربیت اوست؛ زیرا ارضای این نیاز کودک، اساس و پایه تربیت اوست، زیرا ارضای این نیاز کودک، آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین و حتی سلامت جسمی او را در پی دارد، همچنانکه ارضا نشدن آن به فروپاشی آرامش روانی، بی اعتمادی به خود و دیگران و احساس عجز و حقارت، بیماری های جسمی و روانی گوناگون و انحراف های اجتماعی بسیاری خواهد انجامید 1.

سیره عملی و احادیث پیشوایان معصوم (ع) نیز بیان گر توجه ویژه مکتب تربیتی اسلام به این احبوا الطیبان، و: « اصل مهم است. پیامبر اکرم (ص) درباره محبت و ترحم به کودکان می فرماید کودکان خود را دوست بدارید و به؛ «ارحموهم، ان الله لا یغضب لشیء کغضبه للنساء و الصبیان آنها ترحم کنید، خداوند، آن چنان که به خاطر زنان و کودکان خشم می گیرد بر هیچ چیزی خشم نمی گیرد 2.

یکی از نکات مهم در مسأله محبت به کودکان، این است که تنها به محبت درونی بسنده نکنیم، زیرا محبت هنگامی مؤثر و مفید خواهد بود که آن را ابراز و کودک را از محبت خود به او آگاه کنیم و گرنه اصل محبت داشتن تنها برای محبت کننده می تواند مفید باشد، نه برای محبت شونده. من تو را: « امام علی در نامه خود به امام حسن (ع)، محبت خود را به او ابراز می کند و می فرماید قسمتی از خود، بلکه تمام خودم یافتم، به گونه ای که اگر چیزی بر تو وارد شود، بر من وارد شده 1 سید علی حسینی زاده، سیره تربیتی اهل بیت (ع) در تربیت فرزند، ج ۱، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه،-

۱۸۳۱، ص ۷۳

۲- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۲۶

است و اگر مرگ به سراغ تو بیاید، به سراغ من آمده است. هر امر از خودم که مقصود من است، همان امر از تو نیز مقصود من است. از این رو، این نامه را به تو نوشتم تا این مطلب را (محبت به «تو») برایت بیان کرده باشم¹

آثار محبت به کودکان

۱. ارفع و ارضای نیاز طبیعی در کودک، افزون بر این که او را از پیامدهای ارضا نشدن آن مصون می‌دارد، در او حالت اعتدال روحی روانی پدید می‌آورد؛-

۲. کودکان برخوردار از محبت، سلامتی جسمانی دارند، حال آن که کودکانی که با کمبود محبت روبه‌رو هستند، به ناراحتی‌هایی، مانند رنگ‌پریدگی، از دست دادن شادابی طبیعی، تنفس نامنظم و حتی بیماری‌های معده‌ای و روده‌ای دچار می‌شوند².

۳. اعتماد به نفس از دیگر آثار محبت به کودک و از عوامل موفقیت فرد در زندگی فردی و

اجتماعی است، زیرا محبت به کودک، احساس ارزش مند بودن را در وی برمی‌انگیزد؛

۴. با محبت به کودک می‌توان علاقه او را به دست آورد، در نتیجه، کودک به کسی که به او

محبت می‌کند اعتماد و اطمینان و از او حرف شنوی دارد و از این راه، زمینه تربیت‌های بعدی فراهم خواهد شد؛

۵. با محبت به کودک، می‌توان از بسیاری از انحرافات که او را تهدید می‌کند، جلوگیری کرد،

زیرا کمبود محبت در بیشتر موارد از عوامل بسیار قوی گرایش کودکان و نوجوانان به بزهکاری است؛

۶. اصولاً محبت در تربیت، نقش کلیدی دارد. از مهم‌ترین امور در تربیت، ایجاد ارتباط بین

مربیت و متربی است و بهترین نوع رابطه، رابطه‌ای است که بر اساس محبت باشد، زیرا چنین

رابطه‌ای طبیعی است³.

۲ بازی با کودک-

بازی، نیاز طبیعی کودک است و بدون آن، کودک رشد سالمی نخواهد داشت. تمایل همه

انسان‌ها، در دوران کودکی به بازی و این که همه کم و بیش بازی می‌کرده‌اند، بیان‌گر این است که بازی، از نیازهای طبیعی انسان است.

۱ - نهج البلاغه، ج ۱۶، باب ۸۱، ص ۱۷

۲ - روان‌شناسی رشد، ج ۱، ص ۲۸۱

۳ - سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت (ع)، ج ۱، ص ۳۴

۲۱

در تربیت امروزی، پرورش، هماهنگ با تمایلات و غرایز کودک پیش می رود و بازی، نقش مهمی در پرورش او دارد، از این رو، دانشمندان آن را برای رشد جسمی و عقلی کودک، ضروری می دانند و معتقدند که بازی، یک میل طبیعی است.

پیشوایان معصوم ما در زندگی خود به این نیاز کودکان توجه کافی داشته اند. آنان افزون بر این که کودکان را در بازی در دوران کودکی آزاد می گذاشتند، بر این نیاز کودک نیز تأکید کرده اند. امام ؛ «دع ابنک یلعب سبع سنین : « صادق (ع) فرمود 1 فرزندت را تا هفت سالگی آزاد بگذار تا بازی کند.

چند نکته مهم در مورد بازی کودکان

درباره بازی کودکان باید به چند نکته توجه کرد:

۱. والدین و مربیان و به طور کلی سرپرستان کودکان باید در بازی کودکان شرکت کنند و با آنها هم بازی شوند، زیرا بسیاری از فواید بازی کودکان از این راه به دست می آید. بزرگسالان از راه هم بازی شدن با کودکان، نخست راه و روش بازی با اسباب بازی های جدید را به کودکان می آموزند، دوم این که از این راه می توانند بسیاری از سجایای اخلاقی را به کودکان آموزش دهند یا در رعایت مقررات و قوانین اخلاقی و اجتماعی به آنها کمک کنند و سوم این که شرکت در بازی آنها، نوعی احترام به کودک و شخصیت دادن به اوست، زیرا در این صورت کودک احساس می کند خود و کار او (بازی) آن قدر اهمیت دارد که والدین یا مربیان به او توجه کرده و با او همکار و هم بازی شده اند. 2.

والدین با شرکت کردن در بازی کودکان، می توانند علاقه ها و روحیات و حتی گاه اضطراب و نگرانی های آنها را بشناسند و در پی رفع یا برنامه ریزی برای هدایت آنها در راستای استعداد کودکان برآیند و کمبودهایی را که ممکن است در زمینه تربیت آنها وجود داشته باشد، بشناسند و بر طرف کنند. 3.

امام صادق (ع) در بازی کودکان شرکت می کرد و هر گاه با صداقت نداشتن برخی از کودکان «روبه رو می شد، بازی را ترک می کرد و با خواهش بقیه به بازی برمی گشت 4 امام در واقع از این راه، پای بندی و عمل با قوانین و مقررات و صداقت را به آنها می آموخت.

۱ - ملا حسن فیض کاشانی، محجه البیضاء، قم، جامعه مدرسین، ج ۲، ص ۶۱

۲ - سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت (ع)، ج ۱، ص ۱۱۳

۲. نکته دیگری که والدین و مربیان باید در بازی با کودکان رعایت کنند، این است که بکوشند خود را تا حد کودکی پایین بیاورند و در واقع با کودک، کودکی کنند، نه این که همواره چهره هدایت و رهبری به خود بگیرند، زیرا در این صورت است که کودکان بازی طبیعی را می بینند و از هدایت ها و راهنمایی های آنها تأثیر می پذیرند. معصومان (ع) افزون بر این که خود چنین بوده اند و خود را تا حد مرکب کودکان تنزل می دادند، به ما نیز سفارش کرده اند با کودکان این گونه باشیم. کسی که نزد او کودکی است، باید برای او؛ «من کان عنده صبی فلیتصاب له:» پیامبر (ص) فرمود کودکی کند 1.

۸. نباید کودکان را به اجبار، از پرداختن به بازی هایی که به آن علاقه دارند، بازداشت. برای تغییر بازی آنها از نوعی به نوعی دیگر، باید به گونه ای رفتار کرد که آنها با رضایت خود، بازی را تغییر دهند. همچنین نباید بازی خاص یا فرد خاصی را به کودکان تحمیل کرد. در این مورد، به این رفتار پیامبر (ص) از کوچه ای می گذشت، کودکان مشغول بازی بودند، در حالی: «پیامبر (ص) توجه کنید که کودکی گرفته و مغموم گوشه ای نشسته بود. پیامبر (ص) جلو رفت، سلام کرد و پرسید: چرا بازی نمی کنی؟ کودک پاسخ داد: چون لباس من کهنه است و پدر ندارم، کودکان مرا به بازی نمی گیرند. پیامبر (ص) این کودک را در آغوش کشید و به خانه فاطمه (س) برد و به دختر گرامی خود فرمود: مقداری آب آماده کن و یک دست از لباس های کودکان را بیاور. فاطمه (س) چنین کرد و به کمک پیامبر، کودک را شست و شو دادند و لباسی تمیز بر او پوشاندند و موهایش را شانه زدند. سپس پیامبر (ص) او را به کوچه آورد و در برابر کودکان دیگر، با او مشغول بازی شد. کودکان به سراغ پیامبر (ص) آمدند و گفتند: چرا با ما بازی نمی کنی؟ حضرت فرمود: در صورتی با شما بازی می کنم که با این کودک نیز بازی کنید سپس پیامبر (ص)، آن کودک را به میان کودکان «دیگر فرستاد و همگی با هم مشغول بازی شدند 2»

۳ سلام کردن به کودکان-

یکی از راه های شخصیت دادن به کودک، سلام کردن به اوست. کودکی که به او سلام کنند و بدین وسیله به او احترام گذارند، لیاقت و شایستگی خود را نزد دیگران باور می کند. قرآن کریم از این شیوه تربیتی برای شخصیت دادن و تعظیم پیامبران استفاده کرده است.

سلام علی : « خداوند، پیامبران خود را خطاب می کند و به آنان سلام و درود می فرستد

1 - وسائل الشیعه، ج ۱۱ ، ص ۲۱۸

2 - محمد علی کریمی نیا، الگوهای تربیت اجتماعی، قم، پیام مهدی، ۱۸۷۲، ج ۱، ص ۱۲

۲۷

«سلام علی نوح فی العالمین () سلام علی موسی و هارون(صفات) « ۱۲۱ / صفات () « ۱۱۹ / ابراهیم سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث(: « صفات) ۷۹ / درباره حضرت یحیی(ع) می فرماید سلام بر او، روزی که به دنیا آمد و آن روز که می میرد و آن روز که برانگیخته می شود.؛ «حیا (مریم ۱۱) /

در مورد کودکان این مسأله نقش حیاتی تری دارد، پیامبر اکرم(ص) می فرمود: پنج چیز است که تا لحظه مرگ آنها را ترک نمی کنم ... یکی از آنها سلام گفتن به کودکان است.

در حقیقت، یکی از راه های موفقیت کودکان در مراحل بالاتر زندگی، مانند نوجوانی و جوانی، احساس خود ارزش مندی است. هنگامی که کودکی مخاطب سلام بزرگ ترها، به ویژه آنها که در نزد او ارزش و اعتباری معنوی دارند، باشد احساس خود ارزش مندی می کند.

۴وفای به عهد-

وعده دادن، از راه های خوبی است که والدین می توانند برای تشویق کودکان خود بر گزینند. کودکی که بداند پس از کردار نیک و آراسته شدن به اخلاق پسندیده یا رسیدن به موفقیت تحصیلی، پاداش نیکو در انتظار اوست، با پشتکاری دو چندان تلاش خواهد کرد. برای کودکان بسیار مهم است که والدین به وعده خود عمل کنند. اگر اولیا به وعده خود عمل نکنند، اعتماد کودک را از دست می دهند و او دیگر توجهی به آنان نمی کند.

پیامبر اکرم(ص) می فرمود: کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربان باشید و به وعده ای که به آنان دادید، وفا کنید 1 .

زمانی ؛ «اذا وعدتم الصبیان افوا لهم، فانهم یرون انکم الذین ترزقونهم : « امام کاظم(ع) می فرماید که به کودکان وعده ای دادید، به آن وفا کنید، زیرا آنان این گونه تصور می کنند که شما رازق آنها هستید 2 .

۵تأمین امنیت-

یکی دیگر از نکته هایی که والدین باید در روابط خود با فرزندان به آن توجه کنند و از نیازهای اساسی کودکان است ایجاد امنیت برای آنهاست. فرزندان باید در ابراز آنچه در درون دارند و بروز

استعداد و خلاقیت خود، احساس ترس و نگرانی نکنند، زیرا احساس ترس و ناامنی در کودک، جرأت، جسارت و خلاقیت را از او سلب می کند و یا ترس و نگرانی از بازخواست و انتقاد والدین

۱ - وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۸۴

۲ - کافی، ج ۶، ص ۱۱

۲۳

و مربیان باعث می شود که کودک خلاقیتی از خود نشان ندهد و همواره احساسات و عواطف خود را سرکوب کند. افزون بر این، سبب عوارض و نابسامانی های روانی می شود 1.

از آنجا که کودکان، بیشتر وابسته به والدین و مربیان خود هستند و کمتر از خود استقلال نشان می دهند، والدین باید تلاش کنند نه تنها موجبات ترس و نگرانی کودکان را فراهم نسازند، بلکه همواره تکیه گاه و پشتوانه ای برای امنیت آنها باشند. تکیه گاه بودن والدین، دو جنبه دارد. جنبه اول آن با حضور والدین و برآوردن نیازهای اولیه آنها تأمین می شود، ولی جنبه دوم با رفتار صحیح والدین با یکدیگر و رابطه صحیح آنها با کودک محقق می شود.

جدایی والدین از یکدیگر، بزرگ ترین عامل در ایجاد احساس ناامنی در کودک است. در بعضی از موارد با وجود این که والدین در کنار هم زندگی می کنند، ولی اختلاف ها و مشاجره های آنها امنیت را از کودک سلب می کند، به گونه ای که هر بار که کودک از منزل بیرون می رود، نگران است که مبادا پس از بازگشت، دیگر مادر به خانه نباشد. همچنین برخوردهای نامناسب والدین با کودک و نبود محبت کافی به او، می تواند عامل ایجاد احساس ناامنی باشد. البته نکات خاصی در ارتباط به هر یک از این روش های تربیتی و موارد دیگر وجود دارد که در مجالی دیگر به صورت مشروح می توان آنها را بررسی کرد.

1 - __